این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

قسم شیطان برای گمراهی ما

حاج محمود اخوان:

من جوان بودم که یک شب با آقا شیخ مرتضی زاهد دو نفری از جلسه‌ای بر می‌گشتیم. ایشان پیرمرد و ضعیف شده بود و من دست‌های ایشان را گرفته بودم و در راه رفتن به ایشان کمک می‌کردم. آن شب من آهسته آهسته ایشان را تا جلوی خانه‌شان رساندم و آماده خداحافظی شدم. آقا شیخ مرتضی زمانی که می‌خواست به داخل خانه برود، رو به من کرد و فرمود: «آقا محمود! مرا دعا کن آقا محمود، دعا کن!»

من خنده‌ای کردم و عرض کردم: «آقا جان شما که به دعا احتیاج ندارید!» تا این جمله از دهان من خارج شد، به یکباره چشم‌های آقا مرتضی زاهد پر از اشک شد و بسیار منقلب و گریان شد و فرمود: «نه آقا محمود! دعا کن مرا، همه ما به دعا احتیاج داریم.» مرحوم آقا شیخ مرتضی زاهد با گریه‌ای شدید و با صدایی لرزان و بغض کرده فرمود: «محمود! شیطان قسم خورده است تا همه ما را اغوا کند، همه ما به دعا احتیاج داریم؛ دعا کن محمود، دعا کن مرا، دعا کن!»

منبع: کانال تلگرامی «وارثون»

خود را در محضر امام زمان ببینید

محسن رایجی در توییتی بیانی از آیت‌الله بهجت(ره) را به اشتراک گذاشت. آیت‌الله بهجت فرموده‌اند: مؤمن باید خود را در همه حال در محضر آن حضرت ببیند. توجه داشته باشید که هر کاری می‌کنید در محضر اوست؛ امام زمان(عج) حتی از خیال شما آگاه است.

قمپز انگلیسی

عبدالله گنجی در توییتی نوشت: کامیلا، همسر پادشاه انگلیس می‌گوید از این پس هیچ نوع محصولی که از پوست واقعی حیوانات ساخته شده باشد، نخواهد خرید. گفته ظلم به حیوانات است! انگلیس ۲۰۰ سال پوست مردم مستعمرات را کنده و خون‌شان را مکیده الان هم در غزه پوست کودکان را می‌کند، اما برای حیوانات ژست اخلاقی می‌گیرند. #قمپز

قاچاق بنزین نیازمند تدبیر

سیداحسان حسینی در توییتی نوشت: میزان قاچاق بنزین از مجموع تولید چهار پالایشگاه ایران بیشتره و خسارت حداقل ۸۰ هزار میلیارد تومنی داره. این قاچاق از مسیر کارت سوخت جایگاه‌هاست که جز با «کوتاه شدن صدور کارت‌المثنی» حل نمیشه. وقتی این فرآیند به سه روز کاهش یابد، حتی سیاستگذار می‌تواند به «بنزین سه نرخی» هم فکر کند.

باید بیدار شویم که خیلی دیر است

رسول جعفریان در توییتی نوشت: نسخه ۴ ChatGPT هم آمد. مجانی. مسلماً دنیای تازه‌ای را تجربه خواهیم کرد. باید بیدار شویم. خیلی زود که دیر است. چه راه‌هایی برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر داریم؟ چطور می‌توانیم سهم مان را در این درگاه داشته باشیم؟ حالا آنها در خانه‌هایشان نشسته‌اند و جهان را تغذیه فکری می‌کنند.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به مصوبه مجلس درباره تعطیلات آخر هفته

شنبه یا پنج‌شنبه؟!

پس از تصویب تعطیلی روز شنبه و کاهش ساعت کاری در مجلس شورای اسلامی، کاربران شبکه‌های اجتماعی در توییت‌هایی در موافقت یا مخالفت مصوبه مجلس نوشتند. کاربران مخالف مصوبه بر تبعات فرهنگی آن تأکید داشتند و عملاً این مصوبه را موجب تغییری در تعاملات با دنیا نمی‌دانستند. کاربران موافق اما استدلال کردند که تعطیلی شنبه موجب رشد اقتصادی خواهد شد. برخی دیگر از کاربران نیز اساساً این طرح را طرح مهمی ندانستند و آن را جنجال سر مسائل غیراولویت‌دار خواندند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

مخالف مصوبه مجلس:

■ آزاده مختاری:
چرا یک قدم با عقل بر نمیدارید! وقتی بانک‌ها شنبه تعطیل نباشند، یعنی هیچ اتفاقی در روند اقتصاد رخ نمی‌دهد، یعنی شرکت‌های خصوصی و مراکز تجاری و اقتصادی و کسبه تعطیل نیستند و عملاً یک جابه‌جایی تعطیلی مضحک رخ میدهد.

■ محمدرضا درویش‌نیا:
امیدواریم شورای نگهبان با تعطیلی شنبه مخالفت کنه، هیچ توجیهی نداره! گمرگ و بنادر ایران در تمام ایام هفته فعال هستند. ۱۰۰ درصد تجارت ایران آنلاین و هوشمنده که ربطی به تعطیلی‌ها نداره. مگه عضو اتحادیه اروپا هستیم که شنبه تعطیل باشه به نفع اقتصاده؟ ماجرا از مشکوک هم اونورتره!

■ علی خضریان:
در برنامه تلویزیونی ثریا با اشاره به دروغ بزرگ ضرر ۸میلیارد دلاری به کشور از سوی برخی برای تعطیلی روز شنبه به جای پنج‌شنبه، موضوع لابی سرمایه‌داری که به ۱۰۰ هزار نفر هم نمی‌رسند، اما اصل و اساس فرهنگی کشور را زیر سؤال می‌برند و حرفشان به ۸۰ میلیون ایرانی تحمیل می‌کنند، تشریح شد.

■ علی مصلحی:
این‌که برای تعطیلی روز شنبه، بانک‌ها را استثنا کرده‌اند، بادکردن سرنا از سرگشاد است. اصل فلسفه تعطیلی شنبه برای هم‌ترازی فعالیت مؤسسات مالی خصوصاً بانک‌هاست. والا تعطیل نبودن فرمانداری مثلاً کاشان چه ربط و تناقضی با تعطیل‌بودن فرمانداری مثلاً نوفل‌لوشاتو دارد؟

■ مجید شاکری:
واضح است اینکه شنبه روز تعطیل ادارات باشد و بانک‌ها باز باشند، هیچ ارتباط عقلانی به گسترش تعاملات خارجی کشور ندارد. باز واضح است که اگر سؤال گسترش تعاملات خارجی است، نیازی به تعطیل کردن کشور در روز شنبه نیست و کافی است شعب ارزی جمعه‌ها باز و یک‌شنبه‌ها تعطیل باشند. از قضا عدم تطابق تعطیلی بین تهران، دوبی و استانبول (به شرط آنکه تعطیلی شعب ارزی مطابق شود) هفت روز کاری پیوسته برای تجار ایرانی ایجاد می‌کند.

موافق مصوبه مجلس:

■ صادق الحسینی:
افرادی که از تعطیلی شنبه به جای پنج‌شنبه با این استدلال که این شباهت به یهوده انتقاد میکنند به معنای حرفشان توجه ندارند! روزه، حرمت گوشت خوک، وضو، عبادت روزانه، بلوغ و لزوم اعمال دینی، ختنه مردان و صدها مورد دیگر همه شباهت‌های این دو دین هستند! که اگر دست این افراد بود باید همه حذف می‌شد!

■ مهرپویا:
تعطیلی شنبه‌ها مفید در اقتصاد کشور، دکتر شاهسوند: «با تعطیلی پنج‌شنبه و جمعه ما چهار روز اقتصادی و انجام معاملات جهانی را از دست میدادیم، با تعطیلی شنبه ما دو روز اقتصادی را از دست می‌دهیم و به جای سه روز، پنج روز اقتصادی خواهیم داشت.» بنابراین طرح تعطیلی شنبه صددرصد به نفع اقتصاد کشور است.

■ مهدی بابایی:
جهش اقتصادی بدون رشد تولید ناخالص ملی که در گروی صادرات به ویژه صادرات غیر نفتی مردم پایه است امکانپذیر نیست. ایران با تعطیلی پنج‌شنبه‌ها عملاً یکی از روزهای تعامل خود را با اقتصاد جهانی تعطیل کرده. امیدوارم مصوبه جدید مجلس که مغایر شرع هم نیست تأیید شده و مسیر توسعه کشور هموار شود.

■ فرهاد فتحی:
نظر آیت‌الله جوادی در مورد تعطیلی شنبه‌ها چنین است؛ البته فقاهت شیعه پویاست و نظرات دیگری هم شاید باشد که باید استفتا شود و فقها نظرشان را بفرمایند ولی به هر حال نظر فقهی علامه جوادی مهم است و نمی‌شود به صورت قطعی بگوییم تعطیلی شنبه‌ها خلاف شرع است.

ذهن کانتی و کاربست‌های فرهنگی

محمد رحمانی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان بله با ذکر دو روایت از تأثیر چارچوب‌های ذهنی در شناخت و کاربست آن در فرهنگ نوشت. در یادداشت او آمده است:

■ روایت اول:
دوستی نقل می‌کرد در سفر اربعین به دلیل تشنگی زیاد به مغازه‌ای که از دور شُرشُر قرمزی آبمیوه آن به چشم می‌آمد رفتیم و مقداری آب انار خریداری کردیم. اندکی از آن را نخورده بودیم که مزه بد آن باعث شد سمت سطل زباله مغازه رفته و آن را معدوم کنیم اما با کمال تعجب دیدیم که اناری در مغازه نبود! بلکه مغازه‌دار آب انگور قرمز به ما فروخته بود. وقتی این را متوجه شدیم تا انتهای آن آبمیوه را با لذت تناول کردیم!

■ روایت دوم:
هارون بن عیسی روایت می‌کند امام صادق(ع) به فرزندش محمد فرمود: چقدر از خرجی اضافه آمده؟ گفت: ۴۰ دینار. فرمود: آن را بیرون آور و صدقه بده. عرض کرد: آقا دیگر چیزی برایمان باقی نمی‌ماند. فرمود: صدقه بده، خداوند عوض آن را می‌دهد. مگر نمی‌دانی که هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی صدقه است، پس اینک صدقه بده. او به دستور امام عمل کرد، ۱۰ روز بیشتر نگذشت که از جایی ۴ هزار دینار رسید. فرمود: پسرم، در راه خدا ۴۰ دینار دادیم و خداوند ۴هزار دینار در عوض آن به ما عطا کرد. شبیه این اتفاقات بارها و بارها در زندگی برخی مؤمنین رخ داده است اما منطق کمیت گرای واقع‌نگر چگونه می‌تواند از این وقایع پشتیبانی کند؟ معقولیت این اتفاقات چگونه قابل توجیه است؟

■ نتیجه:
کانت در فلسفه استعلایی خود معتقد است که انسان، چارچوب‌های ثابتی برای شناخت پیرامون خود دارد که آن محیط را با عینک این مقولات درک می‌کند. در حقیقت نومن Noumenon یا حقیقت خارجی اشیا

تمایز جدی با فنومن Phenomenon یا ادراک حس بشری دارد. مقولات هستند که ادراک را خلق می‌کنند و این خلق ادراکات منجر به تغییر در تمایلات انسان می‌شوند. گرچه این نگاه معرفت‌شناسانه در فلسفه اسلامی مورد نقد است اما از بعدی دیگر می‌توان قائل شد که «اندیشه، قالبی برای درک و خلق تمایلات بشری است» به عبارت ساده‌تر مبادی و نظام اندیشه پیشینی انسان به‌شدت می‌تواند منجر به تغییر در تمایلات و گرایشات او شود و حقیقت عینی واحدی را با تغییر در تحلیل، مورد بغض کسی و اقبال دیگری گرداند.

دستگاه‌های اندیشه‌ای، جهان‌های معنایی انسان را شکل می‌دهند و سایر برداشت‌های انسان از پیرامون خود در چارچوب این دستگاه‌ها فهم می‌شود. جهان معنایی یک عارف است که او را در دوران خوش، توصیه به استغفار می‌کند، چراکه تلقی او این است که خدا توجهش را از او سلب کرده و در مقابل جهانِ معنایی یک انسان عامی این است که اتفاقاً خدا او را دوست دارد و مشکلی در زندگی او خلق نکرده است. یک جهان معنایی است که جامعه را در قله می‌بیند و دیگری آن را در قعر دره. اصولاً مشکل ما در جامعه امروزین، تلقی‌های متفاوت است. جهان پیرامونی است و هرچقدر که نمایش پیرامون را رنگ و لعاب بدهیم، مجدداً مخاطب ما او را با عینک اندیشه خود می‌بیند و تفسیر می‌کند. مسئله پردازش عین نیست بلکه مسئله بازآرایی ذهن است. اینجاست که تمایز بین «امر فرهنگی» و «امر تربیتی» واضح می‌شود. امر فرهنگی به دنبال بزک کردن واقعیت برای تغییر ذهنیت است اما امر تربیتی به دنبال تغییر جهان معنایی برای درک پیرامون و چه‌بسا در جامعه امروزین ما، اساسی‌ترین راهبرد مدیریت تمایلات اجتماعی را باید در توسعه امر تربیت در مقابل امر فرهنگ جست‌وجو کرد.

آنچه به ما یاد نمی‌دهند

احسان تقدسی توییت کرد: دوران ابتدایی مهم‌ترین سن برای یادگیری اخلاق، ادب، احترام به محیط زیست، مسئولیت‌پذیری و... است. در مدارس ما نه قدیم و نه حالا چنین چیزهایی یاد داده نمیشه. دقیقاً میذارن همه چیز رو بعدها تجربه کنیم. خیلیاشم یاد نمی‌گیریم.

فارسی را پاس بداریم

محمد نصوحی در توییتی نوشت: جدیداً سر کلاس‌ها می‌بینم یه سری دانش‌آموزان کلمات خارجی استفاده می‌کنند؛ ببینم همون جا بهش تذکر میدم چرا وقتی معادل اون کلمه توی فارسی هست از اون استفاده نمی‌کنید! مثلاً به جای ساپورت کردن بگید پشتیبانی کردن چه عیبی داره؟!

در باب شناورسازی تقویم آموزشی مدارس

دکتر موسی بیات در کانال شخصی خود در پیام‌رسان بله درباره مصوبه جدید مجلس نوشت: مبنای تقویم آموزشی مدارس در حال حاضر، قانون بازگشایی مدارس در آغاز مهرماه هر سال مصوب ۱۳۷۶ است که مطابق آن، سال تحصیلی ابتدای مهرماه هر سال آغاز می‌شود و تا خرداد سال بعد به پایان می‌رسد. اشکال این قانون آن است که درصورتی که به هر دلیلی همچون سیل و آلودگی هوا، کلاس‌های درس تعطیل شود، امکان جبران زمان از دست رفته وجود ندارد و مدیران مدارس نمی‌توانند زمان آموزش را به تابستان بکشانند، چه ابتدای سال تحصیلی یا انتهای سال تحصیلی را!

منطقی به نظر نمی‌رسد که در کشور پهناوری همچون ایران با عرض‌های جغرافیایی مختلف و آب و هوای متفاوت، تقویم آموزشی یکسان باشد و همه کلاس‌ها سر یک ساعت مشخص آغاز به کار کنند. نرخ اتلاف زمان آموزشی در آموزش و پرورش بسیار بالاست و تقریباً بالاترین رتبه را از این حیث در منطقه داریم و این اتلاف در مناطق روستایی بیشتر است که خود در کنار سایر عوامل آموزشی، بی‌عدالتی آموزشی را در پی دارد. شناورسازی و واگذاری تقویم آموزشی البته با لحاظ برخی شروط به استان‌ها به تمرکززدایی از وزارت آموزش و پرورش می‌انجامد و نظام تصمیم‌گیری را چابک‌تر خواهد کرد. از تهران نمی‌توان ساعت شروع صبح مدارس لوداب کهگیلویه و بویراحمد را تعیین کرد. فقط در دوره کرونا به سبب اختیارات قانونی ستاد ملی مقابله با کرونا، مدارس ۱۵ شهریور بازگشایی شدند.

نتیجه اینکه «قانون بازگشایی مدارس در آغاز مهرماه هر سال» باید اصلاح و منعطف شود و اختیارات را به وزارت آموزش و پرورش و استان‌ها واگذار کند.

مبتنی بر این مسئله، گزارشی در دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس تدوین و حدود یکصد سال سیاستگذاری زمان آموزش را بررسی کردیم و پیش‌نویسی قانونی برای حل این چالش ارائه شد. پیش‌نویس قانونی در کمیسیون آموزش مجلس ثبت شد، مورد بررسی قرار گرفت، از طرف شورای عالی آموزش و پرورش تأیید شد، مصوبه کمیسیون را گرفت و در نوبت صحن قرار گرفت. بالاخره امروز در صحن مجلس در جریان بررسی لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، اهم مفاد آن که نسخ قانون بازگشایی مدارس، انعطاف‌پذیری و شناورسازی تقویم آموزشی مدارس است، به تصویب رسید.

رشد نویسنده و افول خواننده در صنعت نشر

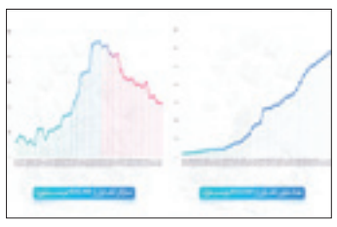

کانال تلگرامی «نمافرپلاس» نوشت: شمارگان یا تیراژ کتاب شاخصی برای تخمین مصرف کتاب است و تعداد عناوین، شاخصی برای تخمین تولید آن. شمارگان به ما می‌فهماند میزان استقبال از یک کتاب به چه میزان بوده و آن کتاب چقدر در بازار خواهان دارد. از این رو ناشران، اگر کتابی شمارگان بالایی داشته باشد، سعی می‌کنند به هر نحوی عدد آن را به مخاطبان نشان دهند. به طور کلی از سال ۱۳۸۵، ناشران کتاب‌های خود را با شمارگان کمتری راهی بازار کرده‌اند. افزایش قیمت کتاب و به‌صرفه نبودن خرید کتاب فیزیکی باعث شده است روند نزولی شمارگان تا همین امروز ادامه‌دار باشد اما روی خوب ماجرا اینجاست که علاقه به خلق کتاب چه به صورت تألیف و چه به صورت ترجمه همواره در کشور رو به رشد بوده و هرگز روی افول به خود ندیده است. گویی در صنعت نشر نویسنده‌ها قوی شده‌اند و خواننده‌ها ضعیف و عواملی مثل قیمت کتاب، کاهش کتابخوانی تحت تأثیر سبک زندگی و پدیده کتاب‌های الکترونیک، اجازه نداده رشد خلق کتاب همراه با رشد خرید آن باشد.

وا ندهید! داستان تولید دیود یزدی

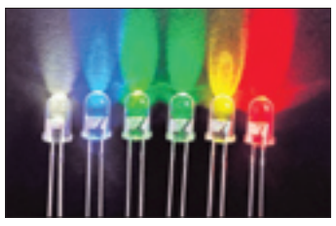

پیمان محمدیان در کانال تلگرامی خود نوشت: یه جوون یزدی تصمیم میگیره توی یزد دیود بسازه و ساختن دیود در انحصار چهار کشور بوده فقط. میره چین و به کارخونه تولید دیود میگه من میخوام در حجم بسیار زیاد دیود از تون بخرم ولی باید خط تولید شما رو ببینم تا مطمئن بشم تولید کننده‌اید و دلال و واسطه نیستید، اونا قبول نمی‌کنند اما با اصرار زیاد این جوون و از اونجا که قصد خرید حجم بالا داشته قبول می‌کنند از مرکز محرمانه تولید دیود یه بازدید خیلی خیلی کوتاه داشته باشه.

توی اون بازدید با زرنگی تمام سعی میکنه نام برند تمام دستگاه‌های تولید دیود رو ببینه و به خاطر بسپاره. از اون کارخونه میاد بیرون و اسم اون برندای سازنده دستگاه تولید دیود رو سرچ میکنه و میفهمه همشون توی چین هستند. میره پیش اونا و میگه من ماشین‌های شما رو میخوام، اونها با تعلل میگن اوکی فقط حق نداری ماشین‌ها رو از چین خارج کنی و این هم میگه اوکی. بعد از مدتی ماشین‌ها رو میسازند و اینم با هزار ترفند پیچیده و جابه‌جایی موفق میشه اون ماشین‌ها رو بیاره یزد و شروع بکنه به تولید دیود، کار رو شروع و دیودها رو تولید می‌کنند، دیودها روشن میشن ولی رنگشون خیلی افتضاح میشه.

اینها بعد کلی بالا و پایین می‌فهمند برای ساختن رنگ‌های آفتابی و مهتابی (می‌خواستند لامپ کم مصرف و مدرن تولید کنند) باید ترکیب خاصی از فسفرهای خاص رو ادغام و تزریق کنند به دیود ولی چه فسفری و چه ترکیبی؟ خدا داند.

زنگ میزنه به کارخونه سازنده و میگه از چه فسفرایی استفاده می‌کنید؟ اون میگه اولاً این موضوع کاملاً محرمانه است و ثانیاً تولیدکننده این دیودها برادرمه و من اگه بهت بگم بهش خیانت کردم! میگن چیکار کنیم چیکار نکنیم؟ میرن از رو جعبه فسفرها شماره تولیدکننده چینی فسفر رو گیر میارن. زنگ میزنن بهش و داستان رو میگن، اون میگه من نمیدونم واقعاً اونها چه ترکیبی استفاده می‌کنند ولی میدونم از من میان چه فسفرایی می‌خرند.

این هم میگه هر فسفری که کارخونه‌های تولید دیود ازت میخرن رو پولش رو میزنم بفرست فرودگاه امام. اونم میفرسته فرودگاه امام. فسفرها رو برمیداره میاره کارخونه و میگه چند هفته بشینید و اینها رو در ضرایب مختلف با هم ترکیب کنید تا رنگ‌های درست در بیاد. بعد از مدت‌ها آزمون و خطا بالاخره ترکیب فسفری که آفتابی و مهتابی رو میسازه پیدا می‌کنند. حالا چرا اون فرد حاضر به این کارا شد؟ بخش خصوصی دوستان، بخش خصوصی! چون چند صد یا چندهزار میلیارد تومان این کار براش سود داشته. شما تصور کنید یه شرکت دولتی تولید لامپ و مهتابی، آیا مدیرعاملش براش یک پنجم این مورد دل میسوزونه و غیرت به خرج میده؟ نه! علاوه بر این، توی بخش خصوصی هم یه اصل خیلی مهم داریم و اون هم اینه که نباید وا بدید. باید بجنگید و به دست بیارید. این وا ندادنه به نظرم مهم‌ترین بخش این مسیر کارآفرینیه. مثل فخرالدین حجازی از یزد!

تصویر منتخب

قلعه‌الموت قزوین، یکی از منحصر به فردترین دژهای تاریخی ایران
|عکس: امیرحسین میرمعینی |از صفحه توییتری «ایران باشکوه»